

بسم الله الرحمن الرحيم

1. جایگاه روحانیت در عصر غیبت در کلام امام هادی علیه السلام

امام هادی (علیه السلام) می فرماید: «لولا من یبقی بعد غیبة قائمنا - علیه السلام - من العلماء الداعین إلیه الدالین علیه و الذابین عن دینه بحجج الله و المنقذین لضعفاء عباد الله من شباک إبلیس و مردته و من فحاخ النواصب لما بقی احدٌ الا ارتد عن دین الله». [1]

این حدیث، بسیار گران بها و گرانبه است. انسان برای اولین بار که با آن مواجه می شود به این اندیشه می افتد که اگر امام هادی (علیه السلام) فقط همین یک اثر را از خودشان به یادگار گذاشته بودند، برای برکت عمر آن حضرت، کافی بود. این حدیث، همانطور که از متن آن روشن است، نقش علما را بیان می کند، از بود علما و نبود علما سخن می گوید، علما باشند چه می شود و نباشند چه می شود. روایت به دوران ما یعنی به عصر غیب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره دارد.

حضرت می فرماید: علمایی بعد از غیبت قائم ما صلوات الله علیه باید باشند تا مردم را به امام زمان راهنما باشند «الداعین إلیه و الدالین علیه» و از دین او دفاع کنند «الذابین عن دینه» و صد البته این دعوت، هدایت و دفاع بواسطه نقل خواب و سخن های بی پایه نباشد بلکه بواسطه «حجج الله» باشد. و هدایت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بسند نکنند بلکه به فکر ایتم آل محمد صلی الله علیه و آله و بندگان مستضعف خداوند هم باشند «المنقذین لضعفاء عباد الله». «من شباک إبلیس و مردته» شباک جمع شبکه عبارت است از آن توری که کسی دارد و شباک إبلیس عبارت است از توری که إبلیس و پیروان او بواسطه آن صید می کنند حال می توان از این تورها، امروزه به «امواج ظلال» تعبیر کرد. «و من فحاخ النواصب» عبارت است از آلت دست های نواصب، و دشمنان اهل بیت. عالمان دین، مستضعفان از بندگان خدا را از تورهای شیطان و پیروانش و از آلت دست های نواصب، نجات می دهند. اگر نبودند چنین عالمانی «لمابقی احدٌ الا ارتد عن دین الله»، هیچ فردی باقی نمی ماند مگر آن که از دین خدا گمراه می شد.

ساختار این حدیث شریف بدین قرار است:

1. حضرت کار علما را بیان می کنند.

2. ابزار کار علما را روشن می کنند و آن عبارت است از حجج الله

3. راه و نتیجه ای آن راه را بیان می کنند که اگر در جامعه ای عالمانی با این صفات باشند، مردم، گمراه نمی شوند. اگر نه، همه به گونه ای از دین خدا فاصله می گیرند.

این روایت دارای متنی بلند و عالی است به گونه ای که این نوع از روایات به بررسی سند، نیاز ندارد.

2. سخنان اهل بیت علیهم السلام فرا زمان است

انسان در بررسی احادیث اهل بیت ع به این نتیجه می‌رسد که این سخنان هیچگاه مشمول مرور زمان نخواهد شد، هر چند هزاران سال از صدور آن بگذرد. ذیل آیه ﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّاهَا﴾ [2] روایتی هست که شمس، رسول خداوند و قمر علی بن ابی طالب (و فرزندان آن حضرت) است. در این باره نکته ای جالب وجود دارد و بنده اولین بار در نوشته‌های مرحوم آقای مطهری (قدس سره) مطالعه کردم و آن عبارت است از اینکه شمس و قمر مشمول مرور زمان نمی‌شوند با حضرات معصومان ع تطبیق داده شده است. چه بسیار چراغی که افروخته شده و به خاموشی رفته است. زمانی فانوس و چراغ بادی بود و ... زمانی دیگر این‌ها می‌رود و مصادیق جدید می‌آید ولی شمس و ماه نه چراغی است که مشمول مرور زمان شود.

3. چرایی شبهه تراشی علیه امامت

جزوه‌ایی که در دست دارم جزوه‌ایی است که در فروردین 96 به صورت محرمانه منتشر شده است. مبلغان سایبری در این جزوه؛ از بازه‌ی زمانی 6 بهمن تا 20 بهمن 95 یعنی 15 روز شبهاتی که از مبادی سایت‌ها، پیام‌رسان‌ها تلگرام، اینستاگرام، تویتر و ... جمع آوری کرده‌اند، در این گزارش آمده است: مجموع شبهات 1709 شبهه است که در هفت محور تقسیم می‌شود، محور اول اعتقادات، کلام از 1709، 984 شبهه مربوط به این محور است یعنی 57% البته در مسائلی چون حکومت اسلامی، قرآن و حدیث، ادیان و مذاهب، تاریخ، اخلاق، فقه و حقوق نیز شبهاتی مطرح است ولی پنجاه و هفت درصد به اعتقادات مربوط است. این محور نیز به ده بخش تقسیم شده است 511 شبهه به اصل امامت مربوط است، البته در مسائلی چون نبوت، آفریدگار، معاد نیز مطرح است. راجع به معاد 25 شبهه رصد شده است ولی در مسأله امامت پانصد و یازده مورد شبهه رصد شده است. آیا به نظر شما این رویداد از سر اتفاق است؟! البته این نیز یک تحلیل است، ولی زمانی که جریان‌ها را تحلیل می‌کنیم به این نتیجه می‌رسیم که این آمار از سر اتفاق نیست، حتی از سر شبهه خیز بودن مسأله هم نیست؛ زیرا قطعاً بحث آفریدگار که نود و یک شبهه راجع به آن طرح شده است از مسأله امامت شبهه خیزتر است.

به نظر اینجانب علت این پدیده، نقش محوری است که امامت بر عهده دارد، بدین معنی که اگر بحث امامت به سامان خود نرسد، مسیر تعیین نمی‌شود و وقتی مسیر مشخص نشد، امور دیگر نیز به سامان نمی‌رسد. فرض کنید، مسأله اصل معاد، برای بشر حل شده است، و در ادامه جهان در انتظار فهم معاد و حقیقت آن است، به کدام آبشخور مراجعه کند؟! آیا از عرفان‌های کاذب بگیرد؟! از أمثال اوشو بگیرد؟! از فلان صوفی و فلان رمال بگیرد؟! یا باید از امامت بهره ببرد؟ فرقه‌های کاذب و منحرف مانند بهائیت، بابیت قدیم و بابیت نوین، اولین مسأله‌ای که بر آن تمرکز می‌کنند، مسأله‌ای امامت است.

4. تسری شبهه تراشی از امامت به مرجعیت و روحانیت

نکته ظریف، در این میان آن است که به علت اینکه در زمان غیبت حضرت ولیعصر عج هستیم، مسیر به امامت، مرجعیت و روحانیت است؛ از این جهت آن حساسیت بر امامت به مرجعیت تسری پیدا کرده است و فعالیت‌های خود را بر مرجعیت و روحانیت متمرکز کرده‌اند. اگر اعتقاد به این نهاد را از مردم گرفتید مسیر به امامت نیز کشیده نمی‌شود. بابیت نوین و فرقه‌هایی باطل با استفاده از فضای مجازی اولین کاری که می‌کنند این است که نهاد مرجعیت و روحانیت و حوزه‌های علمیه را مورد هجوم قرار می‌دهند، حال که به زعم خودشان از این نهاد عبور کرده‌اند چه جایگزینی دارند؟! و از چه کسی به جای این نهاد بهره می‌برند؟ یک دانشجوی رشته معماری بصره می‌آید جای این جریان قرار می‌گیرد! اول خود را باب الی الامام الزمان معرفی می‌کنند؟! در مرحله بعد امام زمان معرفی می‌کنند و اگر مجال پیدا کنند پیغمبر می‌شوند؟! محمد علی باب این کار را کرد.

5. ضرورت ارسال امواج هدایت

- امروزه بر اساس گسترش وسایل ارتباط جمعی، نوع تبلیغ متفاوت شده است، همچنانکه دشمنان «امواج ضلال» را منتشر می‌کنند، روحانیون نیز با استفاده از این ابزار باید «امواج هدایت» را منتشر کنند، این یک تکلیف است. امروزه شما با ارسال

امواج هدایت، شبانه روز می توانید، تبلیغ فعال داشته باشید. چه بسیار زمانی که شما در خواب هستید و مخاطبان در حال استفاده از امواج هدایتی که شما در فضای مجازی ارسال کردید، هستند و این تبلیغی است که نباید از آن غفلت ورزید.

6. در نظر گاه امام زمان عج هستیم

ما روحانیون باید طوری باشیم که وجودمان دفاع از امام زمان باشد. بنده بر این باور هستم که امام زمان عج در همین کوچه‌ها در همین مدرسه فضیه و دارالشفاء قدم می‌زنند و بعضی از نیروهایش را می‌بینند و لذت می‌برند، همانطور که برخی را می‌بینند و ناراحت می‌شوند، و چه بسا بفرمایند: عاق کردم تو را! چه سربازی هستی برای من. لازم نیست ببینیم چه کسی خدمت آقا رسیده و چه کسی نرسیده، اصلاً ممکن است سربازی در طول عمر خود هیچ گاه به محضر حضرت نرسد. ولی در عین حال قره العین امام زمان باشد.

امام زمان هیچگاه از نیروهایشان غافل نیستند و فقط بدها را رصد نمی‌کنند، خوبها را نیز رصد می‌کنند. انسان می‌تواند با دفاع معقول با تلاش مجاهدانه نور چشم حضرت شود. و این چقدر ارزش است که انسانی قره العین امام زمان شود. در این هنگام معنای روایت از رسول خداوند ص فهم می‌شود که فرمودند: بعضی پیغمبران به حال بعضی از علما غبطه می‌خورند. یعنی با دفاع عملی، دفاع با کار و تلاش با حرکاتشان با زبانشان با ادبشان به این مقام می‌رسند.

7. روحانیون باید الگو و نماد ادب باشند

من و شما اگر یک جا نشستیم که صد نفر نشستند باید مؤدب‌ترین جمله‌ها از زبان من و شما باشد. یعنی جمله‌ی ما در میان -جمله‌ها باید تک باشد البته نه این که انسان بی‌جهت چاپلوسی کند نه، انسان وقتی می‌تواند به صیغه جمع صحبت کند وقتی می‌تواند « بفرمایید » بگوید: بگوید « بگو! این خلاف ادب است؟! به هر حال این اولین دفاع لازم است از این نهاد نه چون اینکه بنده طلبه هستم و شما طلبه هستید چون این نهاد اگر از بین برود « لما بقى احدٌ الا ارتد عن دين الله »؛ از این رو باید مواظبت کرد.

8. یکی بر سر شاخ بن می‌برید!!!

انسان وقتی نقش روحانیت را در نظر می‌گیرد در می‌یابد که حدیث مورد سخن از امام هادی ع دقیقاً نسخه‌ای برای مشکلات این زمان است. از این رو تقویت نهاد مرجعیت و روحانیت یک وظیفه است. مایه تأسف این است که برخی از روحانیون نوعی خود زنی نسبت به این نهاد دارند. در صورتی که اگر این نهاد از بین برود، این می‌شود که « لما بقى احدٌ الا ارتد عن دين الله » چرا وقتی امام می‌خواهند غایب بشوند دست شیعیان را در دست فقیهان و عالمان می‌گذارند و می‌فرمایند « إنهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیکم » این راه کار همان اصل در کلام امام هادی (ع) است.

تضعیف نهاد روحانیت، حرام است بلکه، تقویت آن واجب است، گاه می‌گوییم تضعیف حرام است اما یک دفعه می‌گوییم، دفاع لازم است. تقویت لازم است و این دو مقوله یکسان نیست. روحانیون عزیز و بزرگوار، امروزه بر عهده من و شماست که « الداعین إليه و الذابین عن دینه بحجج الله » باشیم. این تکلیف من و شماست.

حال به تفکر بنشینید که چگونه این تکلیف را باید به انجام برسانیم. پرداختن به این مسأله خود یک دفاع عملی است. مرحوم آقای مطهری، مرحوم آقای صدر و بزرگان دیگر، لازم نبود از روحانیت دفاع کنند بلکه وجودشان دفاع از روحانیت بود یعنی دفاع مجسم بودند، گاه لازم نیست انسان سخنی بگوید زمانیکه مردم روحانی پارسا، عالم و عادل را می‌بینند و احساس می‌کنند که درد دین خدا دارد، او نیاز ندارد که از روحانیت دفاع کند بلکه خود دفاع مجسم است و این نوع از دفاع، موج موج مردم را جذب می‌کند.

9. نقد نشر یادداشت ها به ویژه با محتوای ناصحیح

در اسفند ماه 95 در فضای مجازی جمله‌ای از مرحوم آقای مطهری در مجموعه یادداشت‌ها ایشان منتشر شده بود - ما سر تا پا مدیون ایشان هستیم، بنده شاگرد علمی ایشان هستم - تقریباً در هیچ یک از آثار اینجانب نیست که به نوعی از ایشان نام نبرده باشم اما بالاخره یک جمله‌ای علیه علما و فقهای شیعه را که برای دهه 30 است از مجموعه یادداشت‌های ایشان برداشته و چاپ می‌کنند.

- نفس چاپ هر یادداشتی، گواه از آن دارد که ما نه به کتاب اهمیت می‌دهیم، نه به علم، نه به مخاطب و نه به دانش احترام می‌گذاریم؛ ظاهراً در هیچ کجای دنیا نیز رسم نیست یعنی اگر بنده از دنیا رفتم تمام دفترهایم را بریزند وسط که باید چاپ بشود!!!! از این شیوه ناصحیح که بگذریم، محتوای یادداشت نشر داده شده، اساساً غلط است. یعنی همان زمان که نوشته شده غلط بوده است. صدها سال قبل هم غلط بوده و بعدش هم غلط بوده است.

نکته دیگر اینکه ما همراه سخن نیستیم که بگوییم عام داریم، خاص داریم، مطلق و مقید این است. حالا که اشتباهی می‌شود و یادداشتی اشتباه چاپ می‌شود، بدتر آن است که می‌بینیم یک شخصی این یادداشت ناصحیح را روی کانال تلگرام خود می‌گذارد تا از دست نرود!!! بعد هزاران نفر و بلکه دهها هزار نفر می‌بینند، هیچ توجیهی هم ندارد، بدتر آنکه هیچ عکس العملی هم دیده نمی‌شود انگار اتفاقی نیفتاده است. برای من و شما روشن است که شهید مطهری خود دفاع مجسم از روحانیت بود ما از نوشته‌های دیگر ایشان اطلاع داریم. اما این یادداشت وقتی می‌رسد دست یک دانشجو، طلبه و یک بازاری می‌گوید شخصیتی به این بزرگی چه طور به فقهای شیعه حمله می‌کند! این دست خود زنی‌ها زیاد شده است.

10. ارائه دیدگاه بنیان ساز نه بنیان سوز

در بحث‌های انتخابات و انقلاب که می‌شود گاهی وقت‌ها ما به خود زنی مشغول می‌شویم قطعاً انسان‌ها معصوم نیستند انسان‌ها خطا دارند، روحانیت افتخارش این است که یک جور فکر نمی‌کند.

زمانی محضر رهبر معظم انقلاب بودیم، فردی خدمت ایشان مطرح کرد که با بعضی از حرف‌ها فقه نابود می‌شود! - اشاره به سخنان یکی از حضار داشت - ایشان یک ربع توضیح دادند و توجیه کردند و فرمودند: این چه سخنی است!! مرحوم امام خمینی ره را چه قدر حوزه علمیه قبول دارد ولی چقدر حرف‌های ایشان نقد می‌شود؟

در همین درس خارج مکاسب محرمة چقدر می‌گوییم مرحوم امام این دیدگاه را دارند ولی اشکال دارد. هیچ کسی نیز اعتراضی نمی‌کند... چون بحث علمی است قطعاً ارزش حق و علم بالاتر از همه‌ی شخصیت‌ها است و این افتخار حوزه است اما نقد گفته‌ها، نقد عملکردها نباید به گونه‌ای طرح شود که بنیان‌ها را نیز بسوزانیم.

- بنده ممکن است در جمعی جریانی را نقد کنم باید حساب بکنم و بیندیشم که این نقد چه نتایج دارد و چه آثاری بر مخاطب می‌گذارد؟ باید مواظبت کرد یعنی در واقع هم خودمان دفاع مجسم باشیم هم اگر جمله‌هایی می‌شود در حد معقول جواب بدهیم و دفاع کنیم و انگهی اگر در مواردی که لازم دیدیم، نقدی را طرح کنیم به گونه‌ای باید بیان کنیم که اساس و بنیان زیر سؤال نرود طوری نشود که بگویند: فلانی که آن طور و آن یکی هم که آن طور پس دیگر کسی نماند. مقاله‌ای را از فردی مدعی دفاع از ولایت و رهبری چندی پیش مطالعه می‌کردم، تحلیلی راجع به دولت‌های بعد از انقلاب مطرح کرده بود تمام دولت‌ها را زیر سؤال برده بود و آن‌ها را دولت‌هایی ناتوان، دولت‌هایی بد اخلاق و سوء استفاده کن و ... نامیده بود.

اولاً این حرف فی نفسه درست است؟

آیا این قضاوت عادلانه است؟

آیا هیچ کدام نقطه‌ی مثبتی نداشته‌اند؟

یعنی این سی و هفت سال سیاهی و تباہی بوده است؟ این به نظر من ناعادلانه است.

البته دولت‌ها خوبی‌ها و بدی‌هایی دارند لغزش‌هایی دارند وانگهی اگر کسی این مقاله را بخواند می‌گوید این چهل سال که این طور بوده چه تضمینی دارد که چهل سال بعد این جور نباشد؟ چرا برخورد و مخاطبان رحم نمی‌کنیم؟ اگر نقدی می‌کنیم منصفانه باشد. این شیوه برخورد آن اساسی که می‌خواهی حفظ کنی را از میان می‌برد. این نوع سخن، اصل ولایت فقیه را؛ اصل نظام را، امام و رهبری را زیر سؤال می‌برد. و در عین حال فکر می‌کنی که در حال دفاع هستی! یکی بر سر شاخ، بُن می‌برید.

باید مراقب این جریان‌ها بود مخصوصاً اساس روحانیت، را حفظ و تقویت کنیم. امید داریم که بتوانیم یکی از سربازان جریان روحانیت و مصداق حدیث شریف امام هادی (ع) باشیم بحق محمد و آل محمد.

الحمد لله رب العالمین

[1]. محمد باقر (علامه) مجلسی، بحار الأنوار، ج 2، ص 6.

[2]. سوره شمس، آیه 1 و 2.